



۱۹ نومبر ۲۰۱۳

حمید انوری

"نا مردی و مردی قدمی فاصله دارد"

در سرزمین های شرقی و بخصوص کشور برباد داده شده ما، مفهوم مردی و مردانگی و مرد سالاری و مردانه و مرد بودن و...، تا جایی که حافظه یاری میکند و روایات و داستان ها و افسانه ها حکایت از آن دارد، اکثر اوقات از این مفاهیم و اصطلاحات بگونه نادرست و کاملاً غلط اندر غلط، اندر غلط، استفاده صورت گرفته و این مفاهیم و اصطلاحات را به گند آلوده اند.

آناتیکه در بیشتر از سه دهه قبل داد از مردی و مردانگی میزنند و یک سر و گردن خود را از دیگران بالاتر و بلند تر می بینند و فکر میکنند که سر ناسر شان به تن می ارزند و رستم داستان را به شاگردی هم نمی پذیرند، در حقیقت از سخیف ترین و ضعیف ترین افراد بشر توانند بود که نشانی از مردی در وجود بی وجود شان خدای داناست، که نیست.

البته مراد از مردی در اینجا، عیاری است، نه معنی فیزیکی آن.

در ازمنه های قدیم، آنگاهیکه در شرق زمین و در کشور انسان خیز ما، عیار بودن و عیاری رسم زمانه بود و زورگویی و زورآوری و قلدری مورد تنفر و مذمت خلق الله، عیاران نور چشم مردم بودند و چشم و گوش خورد و بزرگ جانب آنان، اندر آن ایام، عیاران را مردان خدا میگفتند و "جوانمرد" و مورد حرمت و ستایش همگان بودند. اما آنچه عیاران را از بقیه همجنسان مذکر شان جدا میکرد، با در نظر داشت نوشته های فراوان دانشمندان هموطن که اندر این مورد معلومات جالبی ارائه کرده اند و در انترنت موجود است، نگاهی می اندازیم به نوشته پر محتوای محترم استاد سیستانی: "...، عیاران که بعنوان « جوانمردان شبگرد » نیز یاد شده اند از فرقه ها و اقشار پراهمیت خراسان قرون وسطی بودند. روحیه پاک، صداقت، رازداری، محبت، فداکاری، دستگیری از مستمندان، شکیبایی و تحمل، حاضر جوابی، نمک شناسی، استواری در رفاقت و دوستی و سختگیری در دشمنی، پابندی بعهده و میثاق، شبگردی، چالاکي و چستی و نظایر اینها اعضای این فرقه را بهم پیوند میزد و مرتبط میساخت... " (به لینک ذیل مراجعه شود)

عیاران، کیهان و از کجا بودند؟ مرام و مقصد شان چی بود؟

حال اگر یک مقایسه گذرا داشته باشیم به اوصاف عیاران در فوق، به سادگی در می یابیم که اوصاف مذکور در گردش ایام مفهوم و معنی اصلی خود را از دست داده اند و دیگر نشانی از عیاران و عیاری بجا نمانده است و آن مفاهیم و اصطلاحات ستایش برانگیز، با هزاران درد و دریغ که غباری شده و به هوا رفته است.

روحیه پاکی جای خود را به آلوده بودن خالی کرده و صداقت و رازداری و محبت و فداکاری، کیمیا گردیده، دستگیری از مستمندان آب شده و به زمین فرورفته است، شکیبایی و تحمل را به ذره بین و مایکروسکوب هم نمی شود پیدا کرد، حاضر جوابی را با گلوله جواب میدهند، نمک شناسی قصه مفتی بیش نیست، استواری در رفاقت و دوستی را به مشکل میشود پیدا کرد، سخت گیری در دشمنی مفهوم خود را به معنی واقعی آن از دست داده است، پابندی به عهد و میثاق را حتی در خانه خدا پامال میکنند، شبگردی با کلشینکوف و راکت انداز و یک درجن بادیاگارد و موتر های زره دار شیشه سیاه مود روز گذشته است و چالاکي و چستی هم اندرین زمانه یعنی تلاش شباروزی و بلاوقفه در جستجوی حامیان خارجی و اندوختن زر و فراهم آوری زور و بکار بستن تزویر و هزار و یک نیرنگ و خدعه و فریب دیگر. بگفته شاعر :

تا سر ندهم، پا نکشم از سر کوبیت

نامردی و مردی قدمی فاصله دارد

آناتیکه در کشور به خاک و خون کشانیده شده ما، نشانی از مردی و مردانگی به مفهوم عیاری آن داشتند، سر های نازنین شان را بکف دست گرفته و راهی قربانگاه های عشق و محبت و سرفرازی و آزادی گردیدند و در سلاخ خانه های رژیم های کودتا بند از بند جدا شدند و به اثبات رسانیدند که واقعاً هم تا سر ندادند، پا از سرکوی میهن و مردم نکشیدند و به جاودانگی پیوستند.

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکني دليکنيزي بني پاوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

امروزه روز یا نام های افتخار آفرین شانرا باید از لیست های دوازده هزار (۱۲۰۰۰) نفری شهداء و قربانیان استبداد سرخ و سبز جست و جو کرد و یا لیست های پنج هزار (۵۰۰۰) قربانی و یا لیست های یک هزار و دوصد و شصت (۱۲۶۰) نفری و یا لیست های دیگر اینکه در راه خواهند بود و یا هم اجساد شریف شانرا باید در گور های دسته جمعی متعدد در سرتا سر کشور جستجو کرد.

تعداد اندکی از این سرداران و سروران و عیاران هم که از چنگال خونین جلادان قرن معجزه آسا جان بدر برده اند، در گوشه و اکناف جهان با هزاران هزار مشکل صحتی، روحی و جسمی دست به گریبان اند و بار مظالم جانیان قرن را هنوز هم با خود حمل میکنند.

واقعا هم که " نامردی و مردی قدمی فاصله دارد!"

با این مقدمه مختصر، میرسیم به نوشته بسیار زیبا، گیرا و بجای نویسنده فرهیخته، شاعر خوش قریحه و گزارشگر فعال و توانا، خواهر محترم ما، فرزانه جان فارانی تحت عنوان:

" سرزمین مرد خیز؟..." مؤرخه هفدهم نوامبر دوهزار سیزدهم میلادی در همین پورتال.

قابل تذکر است که خواهر گرانقدر ما قبلاً هم اندر همین مورد انتقاد بجایی داشته اند که زیر عنوان: (تو خو دختر ما نیستی، بلکه پسر ماستی!!!) به نشر رسانده اند. آن نبشته هم مورد تأیید کامل این کمترین بوده و است.

در کشور بی در و دروازه ما، دیر زمانست که نامردان روزگار زندگی را با همه زیبایی های آن، نه تنها برای زنان کشور به یک جهنم سوزان مبدل کرده اند، بلکه طبقه ذکور هم روزگار بهتری از طبقه اناث کشور ندارند.

این حقیر فقیر سراپا تقصیر با خانم فارانی کاملاً هم نظر هستم که دانشمندان ملی و قلم به دستان سرفراز و آزاده ما باید در مورد استفاده از اصطلاحات بی مورد " سرزمین مرد خیز" و امثال آن بسیار بسیار محتاط باشند.

چه کنیم که باری رئیس دولت کشور از این هم فراتر رفته و در محضر هموطنان و در مقابل چندین درجن کمره فلم برداری و خیرنگاران بیشمار داخلی و خارجی این سرحد را هم درنور دیده و اظهار داشتند که: " ما شیر

هستیم". بیا و از این نوده پیوند کن!

آیا بهتر نیست که انسان متمدن باشیم و نه شیر درنده و وحشی؟!

باید خدمت فرزانه جان فارانی عرض کرد که من در حالیکه با ایشان کاملاً همنظر و همنوا هستم و نظرات نیک شانرا تأیید میکنم، در یک نکته با ایشان موافق نیستم.

ایشان در پاراگراف چهارم، سطر سوم همین نبشته شان چنین مینگارند:

" اگر این القاب را روحانیون تنگ نظر و مرد سالاران افراطی به خودشان می بخشند که روشن است." (تأکید از من است)

از نظر این کمترین، خواهر ما در استفاده از همین اصطلاح، مرتکب دو اشتباه گردیده اند:

۱- بهتر بود بجای استفاده از اصطلاح مردسالاران، از اصطلاح "نامردسالاران" استفاده میکردند که خیلی بجا و با مسمی و قرین به واقعیت های تلخ کنونی کشور ما می بود.

۲- مردسالاری یا در حقیقت همان " نامرد سالاری"، به نظر این کمترین، افراطی و غیر افراطی ندارد و همه و همه سر و ته یک کرباس اند و از شصت پا تا فرق سر غرق در جهالت.

هیچ انسانی سالار نیست، الا به تقوا و تواضع.

سرفرازی گر می طلبی رفیق بید مجنون شو

که هرچند رو به بالا می رود، سر بر زمین دارد

از روحانیون تنگ نظر اگر تذکری داده شود، به چهار کتاب کافر خواهیم شد و در این آشفته بازار نامردسالاری کنونی حکم اعدام ما را صادر خواهند کرد و خون ناقابل ما برای هیچ و پوچ ریخته خواهد شد،

ورنه آنکه به معنی واقعی کلام، "روحانی" تشریف دارد، تنگ نظر نتواند بود و آنکه تنگ نظر است، "روحانی" نباشد، بلکه سوداگر دین تواند بود که "دین" را به دنیا فروخته است. یار زنده و صحبت باقی

با تشکر از سایت استقلال

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ